

## اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی «روایات منع زنان از حمام»

### چکیده

برخی احادیث با توجه به مسائل کلامی دارای تناقضاتی هستند که فهم صحیح‌تر از آن‌ها نیازمند بررسی دقیق‌تر سندی و متنی است. یکی از مباحث، روایات پیرامون منع زنان از رفتن به حمام می‌باشد. در این باره روایات متعدد و به ظاهر متعارضی در منابع روایی شیعه وجود دارد که می‌طلبد از جهت سند، اعتبارسنجی و از جهت متن، تبیین و تحلیل گردد. برای دستیابی به این هدف، ابتدا اعتبار سندی روایات رفتن به حمام با شرایطی مانند استفاده از لُنگ و سپس روایاتی که به منع زنان از رفتن حمام اشاره دارند بررسی شده، آن‌گاه با تکیه بر دیدگاه رجالیون و تحلیل روایات منع زنان از رفتن به حمام، به اثبات رسیده که حکم اولیه منع زنان به دلیل شرایط تاریخی و فرهنگی زمان صدور روایت؛ مانند: اختلاط مردان و زنان، پوشاندن شرمگاه، ایجاد مفسده برداشت می‌شود؛ زیرا استفاده از حمام برای مردان به شرط پوشاندن شرمگاه بدون منع می‌باشد. پژوهش پیش رو با روشی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و به صورت اسنادی با هدف دستیابی دقیق به مضمون این احادیث و فهم صحیح از آن‌ها به رفع برخی شبهات اعتباری سندی و متنی پرداخته است.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی سند، تحلیل متنی، زنان، حمام.

## طرح مسأله

توجه به پاکیزگی و آراستگی ظاهری از جمله موضوعات مورد تأکید اسلام می باشد که در این باره توصیه‌هایی در آموزه‌های دینی دیده می‌شود که به یقین آن‌ها را باید از افتخارات اسلامی برشمرد، در محیط ظهور اسلام که هم امکانات نظافتی چندانی وجود نداشته و هم توجه خاصی به این مسایل دیده نمی‌شده، این همه توصیه و توجه به این مهم قابل توجه هر انسان منصفی می باشد از شستشوی دست‌ها و بدن تا نظافت لباس‌ها و دهان و دندان و حتی پرهیز از برخی خوردنی‌ها که بوی نامطبوعی دارند در صورت حضور در اجتماعات تا توصیه به معطر کردن خود و استفاده از زینت در عبادات و اجتماعات همه و همه حکایت از جایگاه مهم نظافت از منظر شارع مقدس دارد ولی با این تفصیل در برخی از احادیث به موضوعی بحث برانگیز پرداخته شده که ابهاماتی را برای برخی به وجود آورده است و آن دستور بر منع و جلوگیری از رفتن زنان به حمام می باشد، این توصیه در چندین روایت وارد شده و ثبت آن‌ها در برخی منابع روایی کهن و معتبر پرسش را جدی تر می کند که چرا با همه توصیه‌ها و سفارشات که اسلام بر نظافت انسان‌ها داشته و تشویقی به این موضوع در آن دیده می‌شود، چنین دستور داده شده است؟

در نوشته حاضر تلاش بر این است که روایات ذکر شده در این باره که در منابع شیعه ذکر شده‌اند از دو جهت سندی و متنی مورد ارزیابی و کنکاش قرار گیرند که در ابتداء لازم است هم منابع این روایات و نیز میزان اعتبار آنها بررسی شود و سپس با استفاده از اصول فقه الحدیثی به لحاظ محتوایی این روایات مورد تحلیل قرار گیرند لازم به ذکر است تا آن جا که نویسنده بررسی و ارزیابی کرده است این موضوع به صورت مستقل در کتاب یا مقاله ای مستقل تحلیل و ارزیابی نشده است هر چند در برخی نوشته‌ها خیلی خلاصه و در حد پرسش و پاسخ‌های اولیه ای به این موضوع اشاره شده ولی زوایای مختلف این روایات تحلیل و بررسی نشده است. در ارتباط با پژوهش حاضر کتاب و مقاله‌ای نوشته نشده و تنها در کتاب حجاب در عصر پیامبر(ص) امیرحسین ترکشوند به آن اشاره شده است.

## ۱. تحلیل سندی روایات نهی از حمام رفتن زنان

در منابع روایی شیعه، نهی از حمام رفتن زنان، در هفت روایت نقل شده که عبارتند از:

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخِلُ حَلِيَّتَهُ الْحَمَّامَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰۲)؛ امام صادق (ع) می فرماید: هر کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد همسرش را به حمام نفرستد.

رجالیون درباره‌ی اولین راوی حدیث علی بن ابراهیم قمی اتفاق نظر دارند که او شخصیتی بلند مرتبه و بزرگ است و از جلالت قدر برخوردار می باشد، نجاشی درباره‌ی وی گفته: «ثَقَّةٌ فِي الْحَدِيثِ ثَبَتَ مَعْتَمِدَ صَحِيحِ الْمَذْهَبِ سَمِعَ فَأَكْثَرَ (وَأَكْثَرَ) وَ صَنَّفَ كِتَابًا.» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۰)، علامه حلی عین عبارت نجاشی را \_ البته بدون استناد به او \_ نقل کرده (علامه، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۰۰)، وی از استادان برجسته‌ی کلینی بوده و از مجموع روایات کافی، ۷۰۶۸ حدیث را از ایشان نقل کرده که نشان از اعتماد زیاد او بر علی بن ابراهیم است.

درباره‌ی راوی دوم ابراهیم بن هاشم قمی، هر چند مدح‌های قابل توجهی وارد شده ولی توثیق صریحی در منابع قدیمی رجالی ذکر نشده است. نجاشی درباره‌ی اش گفته: «إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمِ أَبُو إِسْحَاقَ الْقَمِيَّ أَصْلُهُ كُوفِيٌّ، انْتَقَلَ إِلَى قَمٍّ، قَالَ أَبُو عَمْرٍو الْكُشِّيُّ: تَلْمِيزُ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ مِنْ أَصْحَابِ الرِّضَا (ع)، هَذَا قَوْلُ الْكُشِّيِّ، وَ فِيهِ نَظَرٌ، وَ أَصْحَابُنَا يَقُولُونَ: أَوَّلُ مَنْ نَشَرَ حَدِيثَ الْكُوفِيِّينَ بِقَمٍّ هُوَ. لَهُ كِتَابٌ.» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶) شیخ در عبارتی نزدیک به نجاشی بدون توثیق از وی یاد کرده و این باعث اختلاف زیادی میان صاحب نظران در توثیق او گردیده است، تا آن جا که علامه مجلسی در مرآة العقول می گوید: هر کجا که ابراهیم بن هاشم در سند حدیثی باشد، حتی اگر راویان سند، امامی و موثق باشند، آن سند را حسن کالصحیح می دانند (بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۵۰) ولی در دوره‌های اخیر گروهی از رجالیون مانند شیخ بهائی با توجه به شخصیت وی و مطالبی که در باره‌ی اش

ذکر شده، روایات او را صحیح‌اند (بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۵۲)، آیه الله خویی معتقد است که با توجه به حساسیت قمیون در باره ناقلان احادیث، او به اعتقاد برخی رجالیون مانند نجاشی اولین کسی است که حدیث را در قم منتشر کرده است، و این دلیل خوبی بر وثاقت او است (خویی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۹۱) بنابراین با توجه به اعتماد بزرگان و زیادی روایاتی که از وی نقل شده، در وثاقت ابراهیم بن هاشم تردیدی نیست. ابن ابی عمیر، راوی سوم و از اصحاب اجماع بوده (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۳۰)، شیخ طوسی درباره ی او گفته: «او کان من أوثق الناس عند الخاصّة و العامّة، وأنسکهم نسکاً، و أروعهم و أعبدهم» (طوسی ۱۴۲۰ق، ص ۴۰۴)، بنابراین تردیدی در وثاقت وی نیست. مجلسی این حدیث را حسن می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۹۶). با توجه به آنچه که درباره ی راویان سند این حدیث به خصوص بحث هایی که در باره ابراهیم بن هاشم مطرح گردید، به نظر می رسد، سند حدیث صحیح، دارای اعتبار و حجیت می باشد.

۲. «وَفِي الْخِصَالِ عَنِ الْخَلِيلِ بْنِ أَحْمَدَ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَشْرَمٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي مَعْمَرٍ عَنْ سَعِيدِ الْمَقْبَرِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ [وَأَمَّنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ حَلِيلَتَهُ تَخْرُجُ إِلَى الْحَمَّامِ]» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵) ابی هریره گفت: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس به حمام بدون لنگ وارد نشود و هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد اجازه ندهد همسرش به سوی حمام (از خانه) خارج شود.

اولین راوی خلیل بن احمد، معروف به أبوسعید الشجری مورد توثیق است زیرا از مشایخ صدوق می باشد (خویی، ۱۳۵۷، ج ۸، ص ۷۷) و نجاشی با لفظ «أسند عنه» او را موثق می داند (نجاشی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۹۶)، بنابراین می توان گفت که وی فردی کاملاً موثق در نقل حدیث است. دومین راوی علی بن خشرم است، که مدح و ذمی در کتب رجالی درباره ی او نیامده، پس نمی توان درباره اش قضاوتی به توثیق یا تضعیف نمود. عیسی بن یونس، سومین راوی و از اصحاب امام صادق (ع) یا امام کاظم (ع)

بوده؛ که دارای کتاب می باشد (خویی، ۱۳۵۷، ج ۱۴، ص ۲۲۶) و این نشان دهنده ی نیکویی شخصیت در امر نقل حدیث است. چهارمین راوی ابی معمر (جَمِيلِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَبِيبِ الْجُمَحِيِّ) ملقب به ذوالقلین است، که طبق توثیقی که از وی آمده، از حافظ ترین عرب بوده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۴۰). پنجمین راوی سعید المقبری است، که طوسی درباره ی او گوید: «سمی به لأنه سكن المقابر، ذكره ابن قتيبة [روى عن أبي سعيد الخدري]» (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۱۵). ششمین راوی ابی هریره می باشد. علی مدینی درباره ی او می گوید: «عَجَبًا لِمَخْذُولِ أَبِي هُرَيْرَةَ، يَرَوِي مِثْلَ هَذَا عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ، ثُمَّ يُخَالِفُ عَلَيْهِ وَ يَكُونُ مَعَ مَعَاوِيَةَ» بنابراین او دارای شخصیتی متزلزل بوده (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵ ق، ص ۶۱۸) و این خود مصداق بارزی از تضعیف بوده و در رد این راوی کفایت می کند. با توجه به آنچه گفته شد، حدیث از اعتبار سندی خوبی برخوردار نیست؛ به خصوص که نام ابی هریره؛ جاعل حدیث، در آن وجود دارد.

۳. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوِيهِ الْقُمِيُّ الْفَقِيهُ نَزِيلُ الرَّيِّ مُصَنَّفٌ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ رَوَى عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ - عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ نَهَى أَنْ يُدْخَلَ الرَّجُلُ حَلِيَّتَهُ إِلَى الْحَمَّامِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳/ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۰) امام صادق (ع) از پدراش فرمود امام علی (ع) می فرماید: پیامبر اکرم (ص) نهی کرد مردی را که همسرش به سوی حمام وارد شود.

این روایت معروف و مفصلی است که شیخ صدوق با عنوان «ذکر جمل من مناهی النبی (ص)» آورده و در آن مطالب زیادی از جمله روایت پیامبر (ص) بر نهی زنان از رفتن به حمام ذکر شده است. اولین راوی محمد بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی فقیه عالیقدر، معروف، موثق و معتمد است. دومین راوی شعیب بن واقد است؛ که مجلسی او را موثق می داند و درباره اش می گوید: «يُظْهَرُ مِنَ الْمَصْنَفِ أَنَّ كِتَابَهُ مَعْتَمَدٌ... فَالْخَبْرُ قَوِيٌّ مُؤَيَّدٌ بِالْأَخْبَارِ الصَّحِيحَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۴۷). سومین راوی حسین بن زید است، کشی او را در طرق اسماعیل بن عبد الخالق می داند، که فردی موثق

بوده است (کشی، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۸). با توجه به سلسله سند و راویان حدیث، حدیث از اعتبار سندی نسبتاً خوبی برخوردار است. مجلسی طریق این حدیث را قوی می داند (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۳۳۷).

۴. «وَعَنْ عَدَةَ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُرْسِلُ حَلِيلَتَهُ إِلَى الْحَمَّامِ.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۹) امام صادق (ع) فرمود: هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، پس همسرش را به حمام نمی فرستد.

«عده ای» که در سند فوق از احمد بن محمد بن خالد برقی آمده، مورد تأیید می باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳۰، ص ۱۴۷). دومین راوی احمد بن محمد بن خالد برقی است که در کتب رجال تأیید شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۷۷ و ۸۲ / طوسی، ۱۴۲۰، ص ۵۳ و ۶۹). عثمان بن عیسی، راوی سوم این حدیث، در نقل حدیث دارای منزلت و مورد وثوق می باشد. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۴۶ / نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۰۰) کشی گوید که او واقفی مذهب و از اصحاب خاص امام رضا (علیه السلام) بوده است (کشی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۸۶۰). چهارمین راوی سماعه بن مهران از راویان امام صادق (ع) بوده (کشی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۳۷)، امام صادق (ع) درباره ی او می گوید: «إِنْ رَجَعْتَ لَمْ تَرْجِعْ إِلَيْنَا» (ابن غضائری، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۲۳۹)، و نجاشی هم او را توثیق نموده درباره اش می گوید: «رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ مَاتَ بِالْمَدِينَةِ، ثَقَّةٌ ثَقَّةٌ... لَهْ كِتَابٌ يَرَوِيهِ عَنْهُ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ أَخْبَرْنَا عَدَةَ مِنْ أَصْحَابِنَا» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۹۳ / حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۲۸)، طوسی نیز درباره اش آورده: «كُوفِي لَهُ كِتَابٌ، رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، وَاقْفِي.» (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۳۷ / حلی، ۱۳۴۲ ش، ص ۴۶۰). با توجه به سلسله سند و راویان حدیث، حدیث از اعتبار سندی خوبی برخوردار است. مجلسی نیز این حدیث را موثق می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۰۵).

۵. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْغِ بِحَلِيلَتِهِ إِلَى الْحَمَّامِ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۹)؛ رسول خدا (ص) فرمود: هر کس که به خدا روز قیامت ایمان دارد پس همسرش را به حمام نفرستد.

اولین راوی محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی است. نجاشی او را ستوده و گفته: «نزیل الری، شیخنا و فقیهنا... و سمع منه شیوخ الطائفة و له كتب كثيرة»، آیه الله خویی نیز آورده: «كان ثقة، جلیل القدر، بصیرا بالأخبار، ناقدًا للآثار، عالما بالرجال، حفظه، و هو أستاذ شیخنا المفید»، همچنین سید بن طاووس می گوید: «و أهل الصدق فی نقل الآثار یاسنادهم إلى الشیخ المجمع علی عدالته أبی جعفر محمد بن بابویه» (خویی، ۱۳۵۷، ج ۱۷، ص ۳۴۰). با توجه به اعتبار ابن بابویه در میان راویان می توان گفت که حدیث از اعتبار خوبی برخوردار است.

۶. وَ یَسْنَدُهُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (ع) فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع) قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ أُمَّرَأَتَهُ أَكَبَهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا عَلَيَّ وَ جَهَّهَ فِي النَّارِ قَالَ عَلِيُّ (ع) وَ مَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ يَأْذَنُ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَّامَاتِ وَ الْعُرْسَاتِ وَ النَّائِحَاتِ وَ لُبْسِ الثِّيَابِ الرَّفَاقِ. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۰)؛ امام صادق (ع) از پدرانش (ع) در وصیتی از پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی هر کس که از همسرش پیروی کند خداوند وی را به چهره در آتش افکند. امام علی (ع) عرض کرد: این پیروی چیست؟ به همسرش جهت رفتن بدون پوشش به حمام های عمومی و عروسی ها و سوگواری ها و پوشیدن لباس نازک اجازه دهد. حماد بن عمرو از اصحاب امام صادق (ع) است (خویی، ج ۷، ص ۲۳۶)، که درباره ی او مدح و ذمی وارد نشده است. انس بن محمد نیز از پدرش روایت کرده، که به دلیل برخی از مجهولات طریق او ضعیف است. (خویی، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۱۵۱). با توجه به آنچه گفته شد، حدیث اعتبار سندی خوبی ندارد. مجلسی مفاد این حدیث را با سندی دیگر بنا بر نقل مشهور ضعیف می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۳۳).

۷. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (ع) يَقُولُ... وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ فَإِنَّ ذَلِكَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهَا (ابن بابويه، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۵۸۸)؛ امام باقر (ع) فرمود: برای زن جایز نیست که وارد حمام شود، پ قطعاً آن برای او حرام است.

اولین راوی احمد بن حسن قطان است که صدوق او را به عدل وصف نکرده است (خوبی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۹۳). دومین راوی امام حسن عسکری (ع) است. سومین راوی محمد بن زکریا است که نجاشی گوید: «کان هذا الرجل وجها من وجوه أصحابنا بالبصرة و کان أخباریا واسع العلم، و صنف کتبا کثیره» (همان، ج ۱۷، ص ۹۴). چهارمین راوی جعفر بن محمد بن عماره است که پدرش از اصحاب امام صادق (ع) است (همان، ج ۱۸، ص ۶۳) که درباره ی او مدح و ذمی وارد نشده که نمی توان درباره اش توثیق یا تضعیفی قائل شد. ششمین راوی جابر بن یزید جعفی از راویان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است (همان، ج ۴، ص ۴۴۵) که کشی او را مدح کرده و در مواردی او را نستوده و امام صادق (ع) درباره ی او فرموده: «رحم الله جابر الجعفی کان یصدق علینا» (کشی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۴۳۶)، ابن غضائری شخصیتش را موثق دانسته اما در نقل حدیث وی را از ضعیفان شمرده و می گوید: «الجعفی، الکوفی. ثقة فی نفسه. و لکن جلّ من یروی عنه ضعیف، فممن أكثر عنه من الضعفاء» (ابن غضائری، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۱۰). نجاشی او را جرح کرده و آورده: «لقی أبا جعفر و أبا عبد الله علیهما السلام... روی عنه جماعة غمز فیهم و ضعفوا، منهم: عمرو بن شمر، و مفضل بن صالح، و منخل بن جمیل، و یوسف بن یعقوب. و کان فی نفسه مختلطا، و کان شیخنا أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان رحمه الله ینشدنا أشعارا کثیرة فی معناه تدل علی الاختلاط، لیس هذا موضعا لذكرها، و قل ما یورد عنه شیء فی الحلال و الحرام». (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۲۸)، شیخ طوسی نیز گوید که برای او یک اصل و کتاب تفسیر است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۱۶)، ابن داود او را مدح کرده (ابن داود، ۱۳۴۲ ش، ص ۸۰) و علامه حلی حدیثی دلالت کننده بر صدق وی آورده است که: «أن الصادق علیه



السلام ترحم علی جابر و قال: إنه كان يصدق علينا» (حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۵) بنابراین می توان گفت که جابر بن یزید جعفری به طور صریح ممدوح نیست. با توجه به آنچه گفته شد، حدیث از اعتبار سندی خوبی برخوردار نیست؛ زیرا راویان او به طور قطعی مدح نشده اند. در مجموع پیرامون شش روایتی که مورد بررسی سندی قرار گرفت، می توان گفت که روایات مذکور از نظر سندی از اعتبار خوبی برخوردار نیستند زیرا در میان این روایات افراد ضعیف، بدون توثیق و تضعیف و جاعل دیده می شود.

## ۲. تحلیل متنی روایات نهی از حمام رفتن زنان

بعد از بررسی سندی روایات نهی از حمام رفتن زنان، می توان گفت که تمام آن ها از اعتبار سندی متقنی برخوردار نیستند؛ اما در صورت پذیرفتن محتوای احادیث نهی مطلق توسط پیامبر اکرم (ص)، می توان برای آن دلایلی را برشمرد؛ از جمله:

۱- با توجه به حدیث «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ حَلِيلَتَهُ الْحَمَّامَ»، می توان گفت زنان و مردان، حمام جداگانه ای نداشتند و از حمام های موجود نیز به صورت نوبتی استفاده نمی کردند و استفاده از آن ها به صورت مشترک، همزمان و مختلط بود (کلینی، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۵۰۲ / مجلسی، ۱۴۰۴ ق. ج ۲۲؛ ص ۴۰۴).

در احادیثی، شاهد نهی شدید پیامبر (ص) به زنان و به طور مشخص ام درء بودیم که آن ها را از حضور در حمام، که لازمه اش برهنه شدن بود، برحذر می داشت، زیرا به نظر می رسد که حمام رفتن به صورت مختلط توسط برخی زنان امری رایج بوده و این در روایات نهی شد، زیرا موجب گسسته شدن پرده های میان آنان با خدا می شد که در روایات اهل تسنن نیز به آن اشاره شده:

- «عن عائشة قالت نهى رسول الله (ص) عن الحمامات للرجال والنساء ثم رخص للرجال في المآزر و لم يرخص للنساء» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۱۳۹) عایشه گفت: رسول خدا (ص) مردان و

زنان را از رفتن به حمام بر حذر داشت سپس به مردان رخصت داد که با لنگک وارد آن شوند اما چنین اجازه ای به زنان نداد.

- «ان عمر بن الخطاب قال يا ايها الناس اني سمعت رسول الله يقول... من كانت تؤمن بالله و اليوم الآخر فلا تدخل الحمام» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰) عمر بن خطاب گفت: ای مردم شنیدم که رسول خدا (ص) می گفت:... هر زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد نباید وارد حمام شود.

۲- در برخی از احادیث پیامبر اکرم (ص) با توجه به مسائل رایج آن زمان و امکان ایجاد فساد زنان در جامعه، آنها از رفتن به چند جا نهی شدند؛ از جمله: «و يَسْنَدُهُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (ع) فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ أَمْرًا مِنْ أَمْرَاتِهِ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قَالَ عَلِيُّ (ع) وَ مَا تَلَكِ الطَّاعَةُ قَالَ يَأْذُنُ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَ الْعُرْسَاتِ وَ النَّائِحَاتِ وَ لُبْسِ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۰).

طبق این روایت زنان از رفتن به حمام، عروسی ها، سوگواری ها و پوشیدن لباس نازک به دلیل نمایان شدن اندام و شرمگاه نهی شدند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۵۹۳).

۳- جعلی بودن احادیث نبوی نهی از ورود به حمام، توسط شماری از مشهورترین محدثان اسلامی صورت گرفته است، بنابراین این احادیث نمی توانند صحیح باشند؛ زیرا آنها معتقدند در روزگار پیامبر (ص) چیزی به نام حمام در آن منطقه وجود نداشته است. جاعلان حدیث به خاطر وجود حمام های مشترک، برای از بین بردن مشکل برهنگی زنان و مردان در حمام های مختلط این احادیث را ساخته اند.

۴- در صورت صحت وجود حمام در عصر پیامبر (ص)، احتمال وجود حمام های جداگانه یا نوبتی نیز در کنار حمام های مشترک می رود، اما این که حاضرین در حمام از لنگک یا هیچ وسیله دیگری برای پوشاندن ناحیه دامن و عورتینشان استفاده نمی کردند، و برهنگی کامل، در حمام مردانه و زنانه، حتمی بود؛ و این مربوط به مردان و زنانی بود که نمی خواستند از حمام های مختلط یا از نظافتگاه های باز و غیر پوشیده استفاده کنند.

۵- در زمان پیامبر اکرم (ص) حضور همزمان زنان اهل کتاب با زنان مسلمان منع می شد: «لایحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن ينظر إلى عورتها الا أهل ملتها» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۲۶/قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۲، ص ۲۳۳/سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳)، روایاتی از اهل سنت نیز در این باره وجود دارد که:

«أخرج سعيد بن منصور و البيهقي في سننه و ابن المنذر عن عمر بن الخطاب أنه كتب إلى أبي عبيدة أما بعد فإنه بلغني أن نساء من نساء المسلمين يدخلن الحمامات مع نساء أهل الشرك فإنه لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن ينظر إلى عورتها الا أهل ملتها» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳).

از جمله دلایلی که برای این نوع من می توان متصور شد این است که ممکن بوده زنان دارای اقوام و ادیان مختلف اوصاف و شرایط جسمی زنان مسلمان را برای شوهرهای خود بازگو نمایند.

۶- طبق احادیث، نهی پیامبر اکرم (ص) شامل مواردی مانند بیماری، ایام نفاس و نظافت بعد از آن، البته به شرط پوشیدن لنگک نمی شد؛ روایتی از اهل سنت است که:

«عن عبد الله بن عمر، أن رسول الله (ص) قال: أنها ستفتح لكم أرض العجم و ستجدون فيها بيوتا يقال لها الحمامات... وامنعوها النساء إلا مريضة أو نفساء» (سنن ابوداود، ۴۰۱۱)، عبدالله بن عمر روایت کرد که رسول خدا (ص) گفت: بزودی [در آینده] سرزمین عجم را فتح خواهید کرد! و در آن جا با خانه هایی روبرو خواهید شد که به آن حمام گویند.... ولی زنان را [حتی اگر لنگک بپوشند] از ورود به آن باز دارید مگر این که بیمار بوده و یا در دوران نفاس باشند».

شریعت مقدس در شرایط اضطرار حکم به جواز ورود زنان به حمام را حتی در شرایط منع از آن صادر نموده چرا که جلوگیری از یک ضرر محتمل بزرگتری نموده است.

۷- علت نهی و منع زنان از ورود به حمام، مربوط به زمانی است که ضرورتی در کار نباشد تا او را به حمام سوق دهد چنان که در سرزمین های گرم این گونه است و یا برای تفریح و تفرج به حمام رود که این روایت مؤید آن است: «من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يدخل حليلته

الحمام» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰۲ / مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۵۰۲)؛ «امام جعفر صادق (ع) فرمود: هر کس به خدا و آخرت ایمان دارد، همسرش را به حمام نفرستد».

۸- برخی معتقدند که نهی مذکور، به دلیل حضور کاملاً برهنه زنان در حمام زنانه باشد؛ ولی این برداشت منتفی است، زیرا همان طور که برای مردان رخصت حضور با لنگک صادر گردید برای زنان نیز از همین راه حل می شد استفاده کرد اما اساساً با حضور بانوان، حتی با پوشش کامل نیز موافقت نشد. روایاتی نیز از اهل سنت در این زمینه وجود دارد که به این موضوع اشاره دارد:

«عن عمر قال: لا یحلّ... أن یدخل الحمام... مؤمنه إلا من سقم فانی سمعت عائشه تقول: إن رسول الله قال: ایما امرأة وضعت خمارها فی غیر بیتها (ص) فقد هتکت الحجاب فیما بینها و بین ربها» (کنز العمال، ح ۲۷۴۱۹)؛ عمر گفت: ...زن مؤمن [حتی با پوشاندن ناحیه فرج و شرمگاه] روا نیست وارد حمام شود مگر این که بیمار باشد. از عایشه شنیدم که رسول خدا گفت: هر زنی که جامه ی خود را در جایی به غیر از منزلش بیندازد سبب هتک حجاب ما بین خود و پروردگار شده است.

«النبی (ص): إنه سیکون الحمامات و لا خیر فی الحمامات للنساء، و إن دخلت یزار و درع و خمار، و ما من امرأة تنزع خمارها فی غیر بیت زوجها الا کشف الستر فیما بینها و بین ربها» (کنز العمال، ح ۲۶۶۳۷) عایشه نقل کرد که پیامبر گفت: در آینده [مکان هائی به نام] حمام درست خواهد شد ولی خیری برای زنان در ورود به آن نمی باشد حتی اگر با [پوشش کامل، شامل لنگک، پیراهن و سرانداز در آن حضور یابد. هر زنی که پوشش خود را در غیر خانه شوهرش در آورد پرده مابین خود و خدا را از بین برده است.

برخی اشکال می کنند که چرا در برخی روایات، به شرط پوشیدن لنگک، این منع بر داشته شده است؟، مانند:

«و عن الباقر عن ابيه عن علي ع قال: قيل له إن سعيد بن عبد الملك يدخل بجواریه الحمام قال لا بأس به إذا كان عليه و عليهن الازار و لا يكونون عراة كالحمر ينظر بعضهم إلى سوة بعض» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶).

به امام علی (ع) گفته شد، سعید بن عبدالملک همراه دخترانش به حمام می رود. امام گفت: اگر او و دخترانش از لنگ استفاده کنند و مانند حمامها عریان نباشند و به شرمگاه یکدیگر ننگرند اشکالی ندارد.

به نظر می رسد که رفتن سعید بن عبدالملک به حمام های عمومی نبوده است، و فقط اختصاص به حمام رفتن محارم به شرط پوشیدن لنگ و نگاه نکردن به شرمگاه دارد.

۹- احادیثی هستند که بیانگر رایج بودن برهنگی و آشکار شدن آلت تناسلی، در داخل حمام ها بوده است؛ از جمله حدیث:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ص) نَعَمَ الْبَيْتُ الْحَمَامُ يُذَكِّرُ النَّارَ وَيَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَقَالَ عُمَرُ بِنْسِ الْبَيْتِ الْحَمَامُ يُبْدِي الْعَوْرَةَ وَيَهْتِكُ السُّتْرَ قَالَ وَنَسَبَ النَّاسُ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِلَى عُمَرَ وَقَوْلَ عُمَرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ ق. ج ۶، ص ۴۹۶) امام علی (ع) گفت: حمام، خانه ی خوبی است چرا که گرمای جهنم را به یاد آدمی می آورد و چرک را از بدن می زداید. و حمام بد خانه ای است چرا که پرده و پوشش را می درد و حیاء را از بین می برد. امام صادق (ع) همچنین روایت کرد که عمر بن خطاب این روایت را گفته است.

با توجه به مواردی که بیان شد، می توان گفت در دین اسلام حمام و استحمام از اهمیت زیادی برخوردار بوده است؛ اما در بیوتات عرب، چیزی به نام حمام (یا واژه های دیگر با همین کاربرد) وجود ندارد. وجود حمام در عصر پیامبر در هاله ای از ابهام و به طور کامل مخدوش است، ولی احادیثی که دلالت بر وجود حمام در عصر رسول خدا دارد، دلالت بر این دارد که حاضرین در حمام از هیچ گونه پوششی برای پوشاندن ناحیه دامن و عورتشان استفاده نمی کردند. فیض کاشانی می گوید: «عموم مردم در روزگار پیامبر، بدون لنگ وارد حمام می شدند.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق. ج ۶؛ ص ۵۹۲)، این واقعیت در قرن دوم نیز رایج بوده است (خمینی، بی تا، ص ۱۷۷). در ارتباط با این موضوع می توان گفت که حمام های پوشیده فاقد نوبت بندی و تفکیک برای زنان و مردان بوده و در واقع هر زمان که

فضای داخل حمام شرایط لازم را برای شستشو به دست می آمد، زنان و مردان، همزمان وارد آن می شدند.

در احادیث متعدد ممنوعیت ورود به حمام، همه مردان و زنان از ورود به حمام منع شده اند، ولی بلافاصله در همین احادیث به مردان اجازه داده شده که به شرط پوشاندن عورت و استفاده از لنگ می توانند وارد آن شوند، این در حالی است که ممنوعیت ورود زنان همچنان تداوم داشته و بلکه به آن تصریح شده است؛ مگر در حدیثی که پیامبر اکرم (ص) حمام را خانه ی خوبی می داند و این به معنای این است که حمام مکانی برای زنان بوده که بدون هیچ مفسده، اختلاط و فعل حرام به آن جا می رفتند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۹۶).

بخشی از علت نهی پیامبر اکرم (ص) به کیفیت گرمابه های آن زمان برمی گردد، زیرا حمام های عصر پیامبر (در صورت وجود) سالن کوچکی بود که اتاقک ها و دوش های محفوظ نداشت؛ بنابراین برای شستن همه ی اندام (و به ویژه زدودن موهای زائد) چاره ای جز در آوردن لنگ و دامن نبود، و شورت های دوخته امروزی در آن جا وجود نداشت و برهنگی در برابر جنس موافق، امری عادی بود که در هنگام استحمام گریزی از آن نبود.

روایاتی نیز از اهل تسنن نقل شده است، که به حمام رفتن مردان با پوشاندن شرمگاه با لنگ و حمام رفتن زنان در شرایط خاص مانند بیماری و غسل نفاس اشاره شده است؛ که عبارتند از:

- «ان عمر بن الخطاب قال یا ایها الناس انی سمعت رسول الله یقول... من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یدخل الحمام الا بازار» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰). عمر بن خطاب گفت: ای مردم شنیدم که رسول خدا (ص) می گفت:.... هر مردی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد نباید [برهنه و] بی لنگ وارد حمام شود.

- «عن عائشه، أن رسول الله (ص) نهی عن دخول الحمامات ثم رخص للرجال أن یدخلوها فی المأزر» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۳۲) عایشه گفت: رسول خدا (ص) مردان و زنان را از رفتن

به حمام بر حذر داشت سپس به مردان رخصت داد که با لنگ وارد آن شوند اما چنین اجازه ای به زنان نداد.

- «عن عبد الله بن عمر، أن رسول الله (ص) قال: أنها ستفتح لكم أرض العجم و ستجدون فيها بيوتاً يقال لها الحمامات، فلا يدخلنّها الرجال إلا بالأزر، وامنعوها النساء إلا مريضه أو نفساء» (سنن ابوداود، ۴۰۱۱) عبد الله بن عمر روایت کرد که رسول خدا (ص) گفت: بزودی [در آینده] سرزمین عجم را فتح خواهید کرد! و در آن جا با خانه هایی روبرو خواهید شد که به آن حمام گویند. پس مردان، هرگز بی لنگ وارد آن نشوند، ولی زنان را [حتی اگر لنگ بپوشند] از ورود به آن باز دارید مگر اینکه بیمار بوده و یا در دوران نفاس باشند.

- «عن عمر قال: لا يحلّ للمؤمن أن يدخل الحمام إلا بمنديل» (کنز العمال، ح ۲۷۴۱۹)، عمر گفت: بر مرد مؤمن روا نیست که بدون دستمال [پارچه ای برای پوشاندن شرمگاه] وارد حمام شود.

- «دخلت عائشة حماما من سقم بها» (غزالی، ج ۱، ص ۱۴۰) عایشه به سبب بیماری ای که داشت به حمام رفت.

- «خرج أبو بكر البزار عن طاوس عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: (احذروا بیتا يقال له الحمام). قالوا: یا رسول الله، ینقی الوسخ؟ قال: (فاستروا)» (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۳، ص ۲۲۴).

أبو محمد عبد الحق می گوید: این حدیث از نظر سند صحیح می باشد، زیرا آن را سید بن طاووس نقل می کند؛ و آنچه ابوداود و ترمذی درباره ضعف سند می گویند درست نمی باشد. مفاد حدیث به اینگونه است که وارد شدن به حمام در آن زمان برای اهل فضیلت و دیانت حرام بوده است؛ به دلیل نادانی که میان مردم بود؛ زیرا مردان و زنان بدون پوشش وارد حمام می شدند و عورت همدیگر را می دیدند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۲۲۴).

### ۳. حل تعارض منع رفتن زنان به حمام

پس از رحلت پیامبر(ص)، با پیدایش و افزایش حساسیت‌ها نسبت به برهنگی در حمام‌های جداگانه، سخنانی از صحابه، پیشوایان و تابعین-با توجه به عرف جدیدی که شکل گرفته بود- صادر گردید. تطبیق این سخنان با احادیث صادر شده از پیامبر کار را پیچیده و امکان تحقیق را مشکل‌تر می‌نماید. فاصله گرفتن از عصر رسول(ص) و پدید آمدن برداشت‌های متفاوت از سخنان حضرت در کنار تولید احادیث جعلی، منشأ دگرگونی‌هایی در جامعه اسلامی گردید و سطح رفاه مردم به خاطر تأثیر ظهور اسلام و فتوحات حاکمان پس از پیامبر(ص) به سرعت بالا رفته بود و این، انطباق مصادیق رشد رفاه با نمونه‌های ابتدایی آن در عصر پیامبر(ص) را مشکل‌تر می‌کرد. نمونه رشد رفاهی، و مثال برداشت متفاوت از حدیث پیامبر(ص) را بیان می‌کنیم:

کلینی از قول سدیر بن حکیم، می‌گوید: «من با پدرم و جدم و عمویم در مدینه به حمام رفتیم. در رختکن با مردی مواجه شدیم که تازه به حمام آمده بود. آن مرد از ما پرسید: شما اهل کجا هستید؟ ما گفتیم: اهل عراق هستیم. آن مرد گفت: کدام قسمت عراق؟ ما گفتیم: اهل کوفه هستیم. آن مرد گفت: خوش آمدید ای اهل کوفه، شما محرم جان و روانید، نه چون دیگران نامحرم و بیگانه. آن مرد بعد از لحظه‌ای گفته است: [عورة المؤمن علی المؤمن حرام:] (ص) گفت: چرا لنگ نمی‌بندید؟ رسول خدا مؤمن نباید شرمگاه خود را در برابر مؤمنان آشکار کند و یا به شرمگاه مؤمنان بنگرد. سپس یک شال کرباسی برای پدرم فرستاد که آن را به چهار قطعه لنگ تقسیم کرد و هر یک از ما یک لنگ به کمر بستیم و وارد حمام شدیم... موقعی که از حمام خارج شدیم، پرسیدیم: این مرد کیست؟ معلوم شد امام سجاد(ع) است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۸)، مجلسی قائل است که این حدیث حسن یا موثق است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۹۸).

در ارتباط با این حدیث می‌توان گفت کسی که امام علی را درک کرده و از طرفداران وی بود به اتفاق فرزندان و نوه اش دسته جمعی به صورت برهنه در حمام حاضر می‌شدند و هیچ قبجی در آن نمی‌دیدند، اما سپس تحت تأثیر حدیث «عورة المؤمن علی المؤمن حرام» که امام سجاد(ع) از قول پیامبر(ص) نقل کرد اقدام به پوشیدن لنگ کردند. امام سجاد(ع) به احادیث نهی پیامبر(ص) از ورود



بدون لُنگک به حمام استناد نکردند. در این روایت نشانه های تغییر و پیشرفت در زندگی مردم به خوبی نمایان است، زیرا «حمام» که در زمان حیات پیامبر(ص) اصل وجود آن محلّ تردید بود در سال ۷۰، ۸۰ هجری، ساختمانی است که دارای رختکن مجزا و گرم خانه است. در ارتباط با احادیثی که از پیامبر اکرم(ص) پیرامون واکنش به برهنگی درون حمام، وارد شده با دو گونه احادیث مواجهیم؛ آن دسته از احادیث که در آن ها به پوشاندن عوره و استفاده از لُنگک نپرداخته و در واقع آن را واقعیتهای عادی و گریزناپذیر می دانستند و روایاتی که از مردان و زنان معذور خواسته شده که از لُنگک استفاده کنند. گونه‌ی اول احادیثی که در بردارنده نگاه منفی حضرت به آن بود، مانند: «اتقوا بیثا یقال له الحمام. قیل یا رسول الله إنه یذهب به الوسخ و یدکر النار فقال: إن کنتم لابلد فاعلین فادخلوه مستترین» (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۲، ص ۲۲۵) و نیز روایت ابن عباس از رسول خدا(ص): «از خانه ای که به آن حمام می گویند بپرهیزید! به حضرت گفته شد: در آن به رفع آلودگی و زدودن چرک می پردازند و [گرمای آن] انسان را به یاد آتش اخروی می اندازد. پس حضرت گفت: اگر ناگزیر! از حضور در حمام هستید باید شرمگاه خود را پوشیده بدارید». گونه‌ی دوم روایاتی هستند که در بردارنده ی نگاه مثبت رسول خدا(ص) در باره ی حمام است، از جمله: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَكَانٍ بِالْمَبَاضِعِ فَقَالَ نِعْمَ مَوْضِعٌ الْحَمَّامُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق. ج ۲؛ ص ۳۱)؛ (رسول خدا از مکان گرمی که عرق آدمی را در می آورد گذر کرد و گفت: حمام و گرم خانه، خوب جایی است).

با توجه به این دو گونه روایات که هم زمان نشان از جایگاه شایسته و منفور حمام در نزد رسول الله(ص) دارد، نه به احادیث جواز و نه به احادیث نهی از ورود- که هر دو به حضرت رسول اکرم(ص) منسوب است- اعتمادی وجود ندارد و بعید است که در زمان حضرت ساختمان پوشیده ای تحت عنوان حمام در میان مردم بوده باشد که در واقع مردم علاقه مند، از روش های ساده تری برای غسل و استحمام استفاده می کردند ولی با توجه به آنچه گفته شد روایات دسته اول ناظر به حمام های جداگانه یا نوبتی می باشد؛ و روایات دسته دوم ناظر به حمام های مختلط است؛ که از زنان مؤمن می خواهد که به جز زمان بیماری و عذر وارد این گونه حمام ها نشوند و از مردان مؤمن می خواهد که

فقط در صورت پوشاندن عوره وارد این حمام ها شوند. در واقع پدیده اختلاط سبب صدور و جعل وارد این احادیث شده است. مانند سخن پیامبر(ص) که فرمود: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاطِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ بِلَا مِثْرٍ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۵۰۳) امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) فردی را که در حمام به عوره بی لنگ نگاه کند و نیز فردی که بی لنگ در حمام حاضر شود را مطرود و رانده از درگاه الهی دانست. مجلسی این حدیث را بنا بر نقل مشهور ضعیف می داند(مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۰۶)، که برهنگی جاری در حمام ها، موجب صدور این دسته از روایات است(ترکاشوند، ۱۳۸۹ ش، ص ۸۰).

### نتیجه گیری:

تعداد قابل توجهی از روایات مربوط به رفتن به حمام از اعتبار سندی خوبی برخوردار نیستند و در مقابل، روایت نهی از حمام رفتن زنان به شرط عدم اختلاط با مردان و پوشاندن شرمگاه و عدم مفسده مخالفتی با روایات دسته ی اول ندارد. به استناد روایات دسته ی اول و احادیث مؤید آن ها، در رفتن و نظافت و تمیز بودن به عنوان یک حکم اولیه در اسلام به خصوص در مواقع وجوب مانند غسل، تردیدی نیست و هیچ روایتی دال بر نرفتن به حمام به صورت مطلق وجود ندارد. مستفاد از ادله، هدف از روایات در ارتباط با نهی زنان از رفتن به حمام به دلیل جلوگیری از مفسده های آن در اجتماع می باشد، و اسلام هرگز نخواسته که زنان را با این فرمان که مربوط به اوضاع فرهنگی و تاریخی آن زمان است، کوچک شمرد. بر این اساس رفتن به حمام و رعایت اصل نظافت و پاکیزگی از ابتدا مورد سفارش بسیار اسلام بوده است، که در برهه ای از زمان، حکم اولی منع رفتن زنان به حمام، با آمدن حمام هایی ویژه زنان قابل تغییر به حکم ثانوی وجوب یا حرمت براساس ضرورت یا رعایت مصالح و مفاسد جامعه خواهد بود.

### منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.

۲. -----، ۱۴۱۳ ق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلام وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ق، مسند احمد بن حنبل، بیروت-لبنان: انتشارات موسسه الرساله.
۴. ترکاشوند، امیرحسین، ۱۳۸۹ ش، حجاب شرعی در عصر پیامبر(ص)، ج ۱، تهران.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، ج ۱، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
۶. حلی، حسن بن علی بن داود، ۱۳۴۲ ش، الرجال (لابن داود)، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۱ ق، رجال العلامة الحلی، ج ۲، نجف: دار الذخائر.
۸. خمینی، روح الله، بی تا، الخلل فی الصلاة، قم: انتشارات مهر.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ ق، مکارم الأخلاق، ج ۴، قم: الشریف الرضی.
۱۰. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۵ ق، المسترشد فی إمامه علی بن أبی طالب علیه السلام، ج ۱، قم: کوشانیور.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. -----، ۱۳۷۳ ش، رجال الطوسی، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه.
۱۳. -----، ۱۴۲۰ ق، فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول (للطوسی)، ج ۱، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۴. غزالی، محمد، بی تا، احیاء علوم الدین، بی جا: نشر دارالندوه الجدیده.

۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ ق، الوافی، ج ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۱۶. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، إختيار معرفة الرجال، ج ۱، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۱۸. -----، ۱۳۶۳، إختيار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادی)، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. -----، ۱۴۲۹، کافی (ط - دار الحديث)، ج ۱، قم: دار الحديث.
۲۱. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، ۱۴۰۶ ق، روضه المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ج ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی گوشانبور.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. -----، ۱۴۰۶ ق، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۴. منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶ ق، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵، رجال النجاشی، ج ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.
۲۶. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، ۱۳۶۴، الرجال (لابن الغضائری)، ج ۱، قم: دار الحديث.

